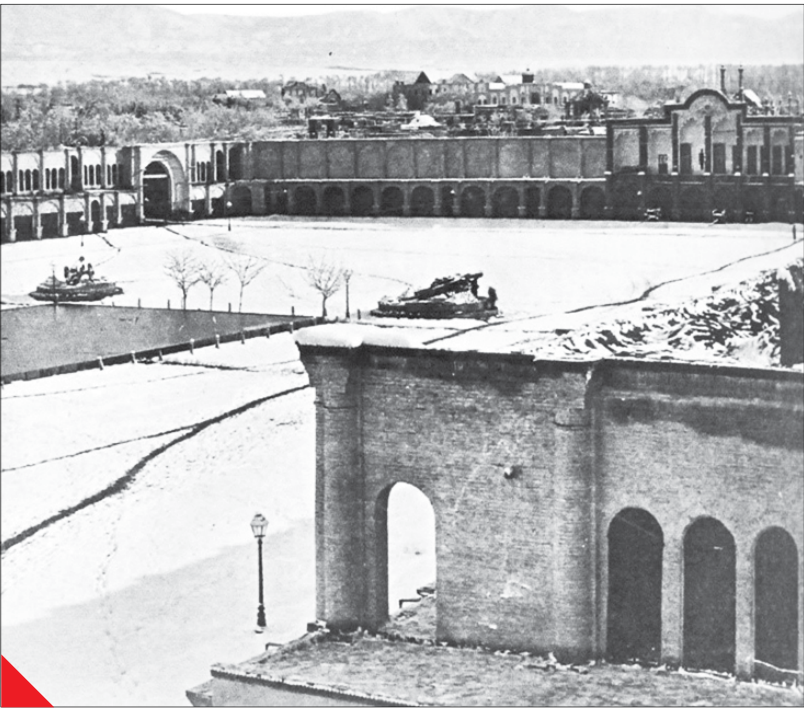


میدان توپخانه، حکایت دیروز، امروز و فردای شهر

نبض شهر در میدان توپخانه می‌زند



توپخانه در عهد ناصرلی



دهه ۴۰ نمای تغییر یافته بلبدیه پیش از تخریب



توپخانه در اواخر پهلوی اول نمای تلگر افخانه



توپخانه در آشفنگی اواخر دهه ۵۰

تغییر بافت اجتماعی، زمینه‌ساز تخریب کالبدی میدان

بی‌تردید صحت کالبد یک بنا نسبت مستقیمی با رده فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی استفاده‌کنندگان و مخاطبان آن دارد. در کنار موارد فنی و مدیریتی که در تخریب میدان برشمردیم، پارامترهای فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی نیز در افول میدان دخیل بوده‌اند. آنچه بیش از هر چیزی به اعتقاد نگارنده باعث تخریب میدان شد، تهی‌شدن آن از محتواهای فرهنگی- اجتماعی در پی افت رده فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی زندگی جاری در پیرامونش بود.

توپخانه، فرودگاه مهاجرت‌کنندگان به تهران

شاید از اولین آسیب‌های فرهنگی- اجتماعی واردآمده به فضای میدان، تاثر از پدیده مهاجرت به تهران از روستاها و شهرهای کوچک بود. به دلیل حضور قریب به اتفاق مؤسسات حمل‌ونقل مسافر در خیابان ناصرخسرو و گسترش آنها در دهه ۱۳۳۰، مهاجرت‌کنندگان به تهران ابتدا در خیابان ناصرخسرو و در پی آن در میدان توپخانه فرود می‌آمدند و به دلیل سیاست‌های اقتصادی حکومت در پرداختن بی‌سابقه به صنعت در برابر کشاورزی، متقاضیان کار در بخش صنعت و خدمات راهی تهران شدند و استقرار اولیه مهاجرانی که عموماً در شرایط سخت معیشتی به تهران می‌آمدند، در خیابان ناصرخسرو و پیرامون میدان توپخانه اتفاق می‌افتاد. افزایش تقاضا برای ارائه خدمات به مسافرانی که در ناصر خسرو فرود می‌آمدند و رونق آن باعث شد تا به‌تدریج بافت تجاری بیش‌وکم فرهنگی آن که بخشی به کتابفروشی‌ها اختصاص داشت، به نفع خدمات مسافری تغییر کند.

به این ترتیب یکی از خیابان‌هایی که محتوای اجتماعی آن به فضای میدان رونق و اعتبار می‌داد از قابلیت افتاده و در کارکردی تقریباً وارونه، میدان را با افرادی از طبقات پایین‌تر فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی مواجه می‌کرد. این امر با اوج‌گیری مهاجرت به تهران در سال‌های اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ تشدید شد، مسئله‌ای که باعث تغییر بافت اجتماعی میدان شده و بخش عمده مخاطبان دیروز آن نقاط جایگزینی را در بخش‌های شمالی شهر مورد توجه قرار دادند. نکته قابل اشاره این است؛ مهاجرانی که بخشی از مخاطبان جدید میدان بودند، منتهای آمالشان کسب حداقلی از درآمد در ازای هرگونه کار با شأن و بی‌شرب بود و مالا تمای کیفیّت از فضای شهری محل حضورشان را نداشتند. اتفاقی که در دهه ۱۳۴۰ در کوچه پشت شهرداری افتاد، شاهد گویا بر تغییر مناسبات میان شهروندان و میدان توپخانه بود و اینکه اساسا تقاضای بر کیفیت فضا در این مناسبات جدید جایی نداشت. تنها پس از تخریب بنای شهرداری بود که زشتی‌های مخفی در پشت آن در قامت نمای شمالی میدان مصلح‌شده بر همگان آشکار شد و متأسفانه به تصویر عمومی شهروندان از میدان توپخانه در پنج دهه بعدی بدل شد.

تنزل فضای فرهنگی لاله‌زار آفتی بر جان میدان

در فرایندی دیگر، تغییر بافت اجتماعی- فرهنگی خیابان لاله‌زار که برکات مَبْشُش در دوره اوج به میدان جان‌بخشی می‌کرد، باعث نمای شمالی اجتماعی میدان شد. در سال‌های دهه ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰ لاله‌زار با داشتن تعداد زیادی فضاهای فرهنگی و هنری از جمله تئاترها، سینماها و کافه‌های روشنفکری، باتوق اهل فرهنگ و هنر و فرهیختگان تهرانی و شهرستانی بود. فضای باز سیاسی دهه ۱۳۲۰ باعث شد فضای فرهنگی- هنری لاله‌زار به سمت فعالیت‌های سیاسی سبب یابد و این فضا به‌خصوص تحت هدایت و خدمت جریان‌های چپ و در رأس آنها حزب توده قرار گرفت. در آغازین روزهای سال ۱۳۳۰ در پی هم‌افزایی جریان‌های ملی، مذهبی و چپ، دولت ملی به صدارت دکتر مصدق بر مسند قدرت قرار گرفت که در عمل انزوای شاه و دربار را به دنبال داشت. گرچه شاه در پی کودتای مرداد ۱۳۳۲ مجدداً تمام زام امور را به دست گرفت ولی از تلاش برای ازبین‌بردن زمینه‌های شکل‌گیری صدهای مخالف غافل نماند.

به این ترتیب دستگاه‌های امنیتی و فرهنگی کودتا درصدد تغییر خرنده بافت فرهنگی- هنری لاله‌زار به عنوان یکی از کانون‌های مخالف‌پرور برآمدند. این‌چنین است که تا پایان دهه ۳۰ به‌تدریج تئاترها و کافه‌های روشنفکری لاله‌زار به مرور جای خود را به تئاترهای روحوضی و کافه‌های جاهلی و مغازه‌های مشروب‌فروشی دادند. به این ترتیب نه تنها میدان توپخانه اصلی‌ترین پشتیبان فرهنگی-اجتماعی خود را از دست می‌داد که در کارکردی وارونه، میزبان شبانه و ناخواسته جاهلینی شد که قصد کافه‌ها و سینماها بی‌کیفیت لاله‌زار نوین را داشتند. شاید دوسالی بیشتر پس از تخریب بنای شهرداری لازم نبود تا مردم شهر به چهره معوج و ناهمگون میدان عادت کنند و دهه ۱۳۵۰ شاهد تنزل «فخر» میدان قبلی به «فقر» میدان فعلی باشد. **ادامه در صفحه ۹**

میدان جدید مدتی پس از شکل‌گیری، محل رخداد بسیاری از رفتارها و فعالیت‌های اجتماعی قدیم و مرسوم در تهران پیش از خود نیز بود؛ پخش نذری، مراسم قربانی‌کردن حیوانات، معرکه‌گیری، تنبیه متخلفان… این خود گواه موفقیت میدان در اتصال به جسم و جان شهرقدیم پیش از خود بود. تصاویر متعددی از حضور همه اقشار شهر در میانه میدان موجود است که به انجام بخشی از امور جاری زندگی یا مراسم‌های آیینی- مذهبی آن روزگار مشغول‌اند.

همچنین می‌توان این ادعا را طرح کرد که میدان توپخانه به‌دلیل دراختیارگذاشتن وسعت فضایی بی‌سابقه در شهر، امکان بسروز و انجام رخداد‌های اجتماعی، سیاسی را فراهم کرد که تا پیش از آن امکان تحقق نداشت و این چنین بر شهریت تهران، خاصه به‌عنوان دارالحکومه تأکید شد. مراسم‌های حکومتی، نیمه‌حکومتی و نیز مردمی در وسعت فضای میدان صورتی رسمی‌تر و اثرگذارتر یافتند. شاید برایابی مراسم برطمطراق تشییع‌چنازه ناصرالدین‌شاه در توپخانه مبارکه، در آن هیبت و عظمت، فرصتی است که میدان نوین برای بهره‌برداری- تبلیغاتی- در اختیار دربار قاجار گذاشت. مرور پیوسته تصاویر به‌جامانده از میدان؛ چه بر کاغذ عکس و چه در کروکی‌ها و نوشته‌های سیاحان و تاریخ‌نویسان، حکایت از رونق زندگی اجتماعی میدان (با لحاظ افت‌وخیزهای مقطعی) در طول دوره حیات قاجاری خود دارد.

و فضای میدان رخ می‌داد. (گرچه نام میدان «توپخانه»، نو نبود و پیش از آن، میدان توپخانه دیگری در تهران طهماسبی در ورودی ارگ شاهی برقرار بود) این صفت از آنجا برانزده میدان شد که تقریباً تمامی هرآنچه برای اولین‌بار به تهران ورود کرد یا بر آن اضافه شد یا در خود میدان یا در یکی از شش خیابان متصل به آن بود. اولین ساختمان بانک در شکل نوین آن، اولین تلگراف‌خانه، اولین پستخانه، اولین قورخانه، اولین ساختمان نظمیه، اولین خطوط واگن اسبی (تراما) و… در میدان ساخته شد و اولین مریم‌خانه در خیابان سپه یا مریم‌خانه، اولین کارخانه برق در خیابان چراغ‌گاز یا چراغ‌برق، اولین تفرجگاه شهری در لاله‌زار، اولین سینما در خیابان علاءالدوله یا سفرا (فردوسی)، اولین درخت‌کاری و سنگ‌فرش خیابان در خیابان سردر الماسیه (باب‌همایون)، اولین کافه‌ها و مغازه‌های به شکل نوین برای فروش کالاهای لوکس و فرنگی در ناصریه یا ناصرخسرو و خلاصه اولین‌ها یا نوین‌ترین‌ها به مرکزیت این میدان رخ داد. رخداد‌های نوین اجتماعی نیز اولین‌های خود را در این میدان تجربه کردند: تشییع‌چنازه حکومتی (ناصرالدین‌شاه)، میتینگ‌های سیاسی از نوع حکومتی آن، اعدام‌های سیاسی، مراسم رسمی نظامی، میتینگ‌های روشنفکری و ….

همه اینها توپخانه را در خاطر شهروندان و خاطره شهر یک‌ه و ممتاز کرد.

چنان‌که می‌دانیم، تولد میدان توپخانه در دوره سلطان صاحبقران، در نتیجه تصمیم شاه قاجار به توسعه شهر از چهار طرف آن بود. گرچه این توسعه در چهار جهت وسعتی بیش‌وکم برابر داشت، ولی به لحاظ شأنیّتِ شهری برابر نبود. توسعه شمالی که متصل و متکی به دیوار شمالی ارگ شاهی صورت گرفت و رو به خنکا و سرسبزی دامنه‌های البرز داشت، دارای شأنی اجل از توسعه جنوبی که در ادامه گود چاله‌میدان اتفاق می‌افتاد بود. این چنین در توسعه شمالی، خیابان‌های جدید و بامنزل‌تر دارالحکومه جدید مکان یافتند و در فاصله میانشان باغات و خانه‌های اشراف جای گرفتند. نگاهی سطحی به نقشه تهران ناصری این نکته را نمایان می‌کند که میدان توپخانه مبارکه، عنصر اتصال شهر قدیم به شهر جدید شد و برای گذار از شهر قدیم طهماسبی به شهر جدید ناصری گذر از میدان توپخانه لاجرم بود، موقعیتی بی‌بدیل برای این میدان بود که تا سال‌ها محفوظ ماند.

شان نزول
حدوث میدان که همانا «نوسازی» شهری بود، واژه نو (به تعبیر اولین) را برای سال‌ها صفت اتفاقاتی کرد که در کالبد



دکتر رضا شکوری*

چنان‌که می‌دانیم، تولد میدان توپخانه در دوره سلطان صاحبقران، در نتیجه تصمیم شاه قاجار به توسعه شهر از چهار طرف آن بود. گرچه این توسعه در چهار جهت وسعتی بیش‌وکم برابر داشت، ولی به لحاظ شأنیّتِ شهری برابر نبود. توسعه شمالی که متصل و متکی به دیوار شمالی ارگ شاهی صورت گرفت و رو به خنکا و سرسبزی دامنه‌های البرز داشت، دارای شأنی اجل از توسعه جنوبی که در ادامه گود چاله‌میدان اتفاق می‌افتاد بود. این چنین در توسعه شمالی، خیابان‌های جدید و بامنزل‌تر دارالحکومه جدید مکان یافتند و در فاصله میانشان باغات و خانه‌های اشراف جای گرفتند. نگاهی سطحی به نقشه تهران ناصری این نکته را نمایان می‌کند که میدان توپخانه مبارکه، عنصر اتصال شهر قدیم به شهر جدید شد و برای گذار از شهر قدیم طهماسبی به شهر جدید ناصری گذر از میدان توپخانه لاجرم بود، موقعیتی بی‌بدیل برای این میدان بود که تا سال‌ها محفوظ ماند.

شان نزول
حدوث میدان که همانا «نوسازی» شهری بود، واژه نو (به تعبیر اولین) را برای سال‌ها صفت اتفاقاتی کرد که در کالبد

فضای اجتماعی خود را از «رونق اقتصادی» و «نشاط اجتماعی» خیابان‌های اطراف و در رأس آنها لاله‌زار می‌گیرد؛ جایی که محل آموشد و حضور بزرگان و برگزیدگان تهرانی و شهرستانی بود. گفتنی است که تا زمان تخریب بنای بلدیه که مغازه‌های کوچه پشت شهرداری در ضلع شمالی میدان عیان می‌شوند، در میدان مغازه با کاربری غیر از کاربرهای حکومتی وجود ندارد.

در دهه ۱۳۰۰، گرچه با حضور دو بنای بلدیه و تلگراف‌خانه صورت میدان به اندازه کافی تغییر کرده؛ ولی از نظر اجتماعی، حضور شهروندان همگن نبوده و شخصیت اجتماعی جدید قوام نیافته است. البته بدیهی است که اگرچه نظام قدرت در کشور در پس کودتایی چندساعته (۱۲۹۹) تغییر یافت و در مدت چهار سال بعد از آن نظام حاکمیت کشور کلا دگرگون شد؛ ولی برای بروز تغییرات اجتماعی زمان‌هایی بیش‌ازاین لازم بود و به لحاظ زمانی دهه اول قرن، سهم این تغییرات شد. تبدیل یک‌به‌یک درشکه‌های پرانگنده در میدان به اتومبیل‌های مجتمع و منظم در جنوب و شرق و غرب میدان، تصویر تغییر رفتارهای شهروندی مردم بود؛ تصویری که با گذار از کلاه بی‌لبه قجری به کلاه پهلوی، سرداری به کت و گیوه به نقش رونی تکمیل می‌شد.

توپخانه زمانی تداوم مرکزیت خود را در شهر به رخ کشید که اولین توسعه کالبدی و عملکردی شهر در قالب ساختمان‌های اداری خدماتی و رفیع و وسیع به مرکزیت او شکل گرفت. در پایان دوره پهلوی اول میدان به لحاظ کالبد و محتوای اجتماعی‌اش در دوران اوج آبادانی خویش است که نگاه در آغازین روزهای شهریور ۱۳۲۰ ضربه چکمه‌های اشغالگران روس و انگلیسی بر آسفالت کف آن فرود می‌آید. موقعیت ممتاز این فضای آباد کافی بود که تا پایان جنگ زمینه حضور مدرام و توام با تحقیر نظامیان خارجی باشد و پرچم اشغالگران را بر بلندای بنای بلدیه تظلم کند؛ اما فردای اشغال مصادف با آغاز دورانی خاص، برخوردار از آزادی اجتماعی و سیاسی در ایران است. در این فضا، میدان شاهد حضور اجتماعی همه شهروندان از هر نـوع تفکر و باور است؛ گرچه که‌گاه در گوشه‌وکار آن تضارب آرا و افکار به ضربات فیزیکی طرفین بر یکدیگر منتهی می‌شد.

آغاز تنزل شان میدان

میانه دهه ۱۳۳۰ را باید آغاز دوران افول میدان دانست؛ اگرچه در سه سال اول این دهه به برکت خرد و دانایی دولت ملی دکتر مصدق، حرکت‌های مثبتی در حوزه شهرسازی صورت گرفته بود و شهرک‌های نارمک، نازی‌آباد و یوسف‌آباد در آستانه شکل‌گیری بودند؛ ولی در فردای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نسل نوینی از سیاست‌پیشگان مجهول‌السابقه و روشنفکران سنت‌ستیز، زمام‌بخشی از امور مملکت و شهر را به دست گرفته و ناگاهانه پای کُزاف بر پدال ماشین مدرنیسم فشردند و آن را از مسیر منطقی تمدنی خود به جاده انحراف کشاندند. تشکیک در میراث ارگ‌زشته‌رسیده و تساهل در ایجاد تغییرات غیرضروری ازجمله رفتارهایی است که از این دوره به بعد در عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در کشور فراوان مشاهده می‌شود.

همجه به میدان و پایان دوران ثبات آن در سال ۱۳۳۴ و در

زمان شهرداری نصرت‌الله منتصر آغاز می‌شود. مساحت محدود ساختمان شهرداری، وسعت تشکیلات اداری آن را تکافو نمی‌کرد. در پاسخ به این مسئله اما بی‌تدبیرانه‌ترین تصمیم اتخاذ می‌شود و به دستور شهردار، بخش میانی بنا که تاج آن به شمار می‌رفت، تخریب و به‌جای آن بنایی با معماری مدرن بی‌ربط به دو بال باقی‌مانده از بنای اولیه احداث می‌شود. با لحاظ اینکه این تخریب و بازسازی سه سال طول می‌کشد، می‌توان تصویری را که مردم شهر از میدان در این مدت داشتند، تصور کرد و در نهایت حیرت شهروندانی که قادر به ربط‌دادن بنای سنگی تازه تأسیس میانی با دو بال قدیمی‌آجری نبودند. جالب‌تر آنکه که با شروع بهره‌برداری از بخش جدید، عده‌ای از مدیران و متخصصان با طرح تفاوت میان بخش مرکزی و دو بال کناری، تخریب دو بال شرقی و غربی را زرمه می‌کردند.

سال ۱۳۳۴ اما خاطره تلخ دیگری را برای میدان بر جای گذاشت. در این سال حفاری غیرکارشناسی بال غربی زیرگذر میدان باعث ورود آسیب به پی شمال شرقی عمارت تلگراف‌خانه شده و در پس آن ترک‌های سازه‌ای جدی بر پیکره شرقی بنا ظاهر شد. در کارشناسی اولیه که دو نفر از معماران سرشناس، محسن فروغی و علی صادق از ساختمان به عمل آوردند، رأی به تخریب ساختمان صادر و بر ضعیف‌های متعدد ساختمان در ساخت و نهایتاً فاقد ارزش بودن آن برای نگهداری تأکید شد. ساختمان چند صبحای را با تکیه‌بر تیرک‌هایی بر نما ادامه حیات داد ولی هیچ‌گاه دهه ۴۰ را ندید. لازم به یادآوری است که بنای تلگراف‌خانه که در سال



توپخانه در اواخر دوره قاجار



میانه دهه ۴۰ جای پای تلگر افخانه در توپخانه